

نوسازی فرهنگی در روستاهای در حال گذار*

ژاله شادی طلب*، مجتبی بیات**

مقدمه: توسعه انسانی مبین تحول در کیفیت زندگی است و بر اساس نظریه اینگلههارت و ولزل رویکرد جامع توسعه انسانی سه بعد توسعه اجتماعی - اقتصادی، نوسازی فرهنگی و دموکراتیک شدن را در بر می گیرد. هدف اصلی این پژوهش بررسی وضعیت نوسازی فرهنگی در روستاهای در حال گذار و پاسخ به این پرسش است که آیا این گروه از روستاها که از سطح نسبتاً مناسبی از توسعه اجتماعی - اقتصادی برخوردار هستند، نوسازی فرهنگی را تجربه کرده اند و یا خیر؟

روش: نوسازی فرهنگی با سه متغیر فردگرایی، عرفی شدن و تبیین علمی مورد بررسی قرار گرفته است. روش این تحقیق ترکیبی از روش های کمی (پیمایش) و کیفی است. برای درک چگونگی و تحلیل داده های کمی روش کیفی و تکنیک مصاحبه عمیق به کار گرفته شده است.

یافته ها: هر چند ساکنین روستاهای در حال گذار در فرآیند توسعه انسانی نوسازی فرهنگی را تجربه کرده اند، اما این تغییر در همه ابعاد فرهنگی رخ نداده است. به طوری که فردگرایی اخلاقی به طور نسبی در میان مردم این روستاها رواج دارد. اما اکثریت هنوز عرفی نشده اند و تفکر، احساسات، تمایلات و رفتار آنها از وابستگی و التزام به ماوراءطبیعه فاصله نگرفته و گستره نفوذ باورهای دینی فراتر از حوزه خصوصی را در بر می گیرد. همچنین روستاییان در پاسخ به چرایی وقوع پدیده ها از دو شیوه به ظاهر متناقض تبیین دینی و تبیین علمی استفاده می کنند.

بحث: به نظر می رسد این گونه از نوسازی فرهنگی که ویژگی اصلی آن عدم توازن مؤلفه ها و به هم ریختگی فرهنگی است، نشان دهنده ریشه باورهای مذهبی در میراث تاریخی این جوامع و پایداری آن در فرآیند توسعه انسانی و تغییرات اجتماعی جوامع روستایی در حال گذار است.

کلید واژه ها: تبیین علمی، توسعه انسانی، عرفی شدن، فردگرایی اخلاقی، نوسازی فرهنگی

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۹/۱۳

تاریخ دریافت: ۸۸/۰۸/۲۵

• این مقاله بر اساس بخشی از نتایج پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی وضعیت توسعه انسانی در روستاهای در حال گذار» در گرایش مدیریت توسعه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، که در زمستان ۱۳۸۷ توسط مجتبی بیات دفاع شده است، به نگارش درآمده است.

* دکتر جامعه شناس، دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد علوم اجتماعی دانشگاه تهران <bayatmojtaba@gmail.com>

مقدمه

در حال حاضر روستاهای مهاجرپذیری در منطقه کلان‌شهر تهران وجود دارند که با برخورداری از سطح نسبتاً مناسبی از توسعه اجتماعی - اقتصادی در فرآیند تغییرات اجتماعی و گذار از روستا به شهر قرار گرفته‌اند. مسئله این پژوهش بررسی وضعیت فرهنگی سکونت‌گاه‌های مذکور، تحت عنوان «روستاهای در حال گذار» است.

در این ارتباط ولزل، کریس^۱، رونالد اینگلهارت^۲ و هانس - دیتر کلینگ مان^۳ (۲۰۰۱) مدلی از توسعه انسانی در چارچوب نظریه نوسازی را طرح کرده‌اند که توانسته است سه فرآیند توسعه اجتماعی - اقتصادی^۴، نوسازی فرهنگی^۵ (تغییرات ارزشی) و دموکراتیک شدن^۶ را به عنوان فرآیندهای اصلی تغییرات اجتماعی با یکدیگر تلفیق کند. این نظریه با استفاده از آراء آمارتیا سن بسط یافته است و این امکان را فراهم می‌کند تا توسعه اجتماعی - اقتصادی، نوسازی فرهنگی و دموکراتیک شدن به مثابه مؤلفه‌های مجزا اما وابسته به هم، تحلیل شوند (welzel, et. al: 2001 & welzel, et. al: 2003).

اینگلهارت و ولزل تأکید دارند که در این مدل، مفهوم توسعه انسانی فرهنگ را نیز در بر می‌گیرد. این دو معتقدند که نقش مرکزی فرهنگ در فرآیند تغییرات اجتماعی، در نظریه‌های قبلی نوسازی مورد بی‌توجهی قرار گرفته است (Inglehart & Welzel: 2005) در حالی که فرهنگ رابط اصلی میان توسعه اقتصادی - اجتماعی و دموکراتیک شدن است (Inglehart & Welzel: 2005). در تبیین این موضوع بیان می‌کنند که آنان و سن (۲۰۰۰) فقط بر شرایط عینی مانند منابع اقتصادی، اجتماعی و حقوق مدنی و سیاسی تمرکز می‌کنند اما انتخاب فقط شامل این موارد نیست و ارزش‌ها را نیز شامل می‌شود زیرا ارزش‌ها می‌توانند با وجود منابع گسترده، دامنه انتخاب را محدود کنند (Inglehart & Welzel: 2005).

1- welzel, christian

2- ingelehart, ronald

3- klingeman, hans - dieter

4- socioeconomic development

5- cultural modernization

6- democratic regime performance

این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که آیا آنچنان که اینگلهارت و ولزل در فرآیند توسعه انسانی و تغییرات اجتماعی بر اهمیت تغییرات فرهنگی تأکید می‌کنند، در روستاهای در حال گذار نیز هم‌گام با توسعه اجتماعی - اقتصادی نوسازی فرهنگی تحقق یافته است؟ در این راستا ابتدا چارچوب نظری نوسازی فرهنگی و سپس چگونگی تشخیص روستاهای در حال گذار طرح می‌شود. آن‌گاه با بررسی وضعیت نوسازی فرهنگی در دو روستای مورد مطالعه تلاش می‌شود بر اساس یافته‌های پژوهش پرسش اصلی مقاله پاسخ داده شود.

چارچوب نظری نوسازی فرهنگی

اینگلهارت دعوی اصلی نظریه نوسازی را نشان دادن پیشروی هماهنگ دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌داند (۱۳۷۷) وی در بحث «تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی» نتیجه می‌گیرد که: «تأثیر نوسازی تکنولوژیکی با تحولات فرهنگی موازی که در جامعه پیشرفته صنعتی رخ می‌دهد، بیش‌تر می‌شود». وی اولویت‌های فرهنگی را تنها یک مؤلفه از نظام پیچیده علی تحولات اجتماعی می‌داند و در عین حال تأکید می‌کند که «از اعتبار جبرگرایی اقتصادی در جامعه پیشرفته صنعتی روز به روز کاسته می‌شود» (۱۳۸۲). به این ترتیب اینگلهارت بر نقش اساسی فرهنگ و تحولات ارزشی در نوسازی تأکید دارد. اینگلهارت و ولزل بن‌مایه نوسازی فرهنگی را کم‌رنگ شدن اقتدار سنتی (عموماً مذهبی) و گذار به سمت «ارزش‌های عرفی - عقلانی»^۱ می‌دانند. گرچه از نظر اینگلهارت و ولزل این گذار به معنای افول کامل دین و سایر جنبه‌های میراث فرهنگی - سنتی جوامع نیست و فرآیند تغییر فرهنگی غیر خطی و فرهنگ هر جامعه‌ای میراث تاریخی آن جامعه را منعکس می‌کند (Inglehart & Welzel: 2005).

در حالی که اینگلهارت و ولزل تلاش کرده‌اند پیشنهاداتی برای اصلاح نظریه نوسازی ارائه نمایند (Inglehart & Welzel: 2005)؛ انتقاداتی بر نظریه ایشان نیز وارد شده است.

1- Secular-rational values

برخی بر پیش‌داوری و تورش این نظریه نسبت به نظریه نوسازی تأکید کرده‌اند (Marsh: 2006). همچنین گفته شده فرضیه‌ها و پرسش‌نامه تحقیقات اینگلهارت و ولزل مبتنی بر زمینه، شرایط و قرینه‌های فرهنگ غربی است. در نتیجه یافته‌های این دست از تحقیقات نیز همانگویی نظریه‌های نوسازی است: (Chabal, 2006).

نظریه اینگلهارت و ولزل (۲۰۰۵) ارزش‌های سنتی مانند؛ اهمیت خداوند در زندگی، آموزش اطاعت و مذهب به کودکان، مخالفت با سقط جنین، احساس غرور ملی^۱، محترم شمردن اقتدار^۲ و نظایر آن را در بر می‌گیرد؛ (Inglehart & Welzel: 2005) که در فرآیند تحولات اجتماعی و اقتصادی به ارزش‌های مدرن تغییر می‌کنند. به عبارت دیگر تغییر ارزش‌ها هدف نوسازی فرهنگی است و فردگرایی^۳، عرفی شدن^۴ و تبیین علمی^۵ از مهم‌ترین نتایج نوسازی فرهنگی و در عین حال مقوم جامعه مدرن دیده شده‌اند (کومار: ۱۳۸۱).

در فرآیند فردگرایی به عنوان نتیجه اصلی فرآیند نوسازی فرهنگی، انسان متجدد به دنبال به کارگیری خرد بشری در مسیر پیشینه کردن منفعت خویش گام برمی‌دارد؛ این امر مستلزم آن است که بر آزادی، حق انتخاب، و پرسش، عقلانیت ورزی و هر آن چه انسان را در راه رشد فردیت مثبت یاری می‌رساند واقف باشد. در جامعه‌ای که در آن نوسازی فرهنگی اتفاق افتاده است فردگرایی با فراهم کردن زمینه گسترش آزادی موجب رشد قابلیت و در نتیجه افزایش حق انتخاب بشر می‌شود.

فردگرایی اخلاقی زمانی به فرآیند «توسعه انسانی به مثابه تغییرات اجتماعی» یاری می‌رساند که رشد آن در چارچوب احترام و اهتمام به حقوق و فردیت دیگران صورت گیرد. از نظر دورکیم فرد گرایی در جامعه جدید صورتی اخلاقی به خود می‌گیرد (دورکیم: ۱۳۸۱). امر اخلاقی سرچشمه همبستگی است و بشر را در مسیری غیر از پیگیری انگیزش‌های خود پرستانه‌اش هدایت می‌کند (دورکیم: ۱۳۸۱). در نظام مبتنی بر فردگرایی

1- national pride
4- secularization

2- authority
5- scientific explanation

3- individualism

اخلاقی، فرد از قواعد اخلاقی پیروی می‌کند. در این نظام اخلاق جامعه حاصل جمع قواعد اخلاقی، عرفی و قانونی است (اباذری: ۱۳۷۷). در فرد گرایی اخلاقی، جامعه مقدم بر فرد فرض می‌شود به نحوی که این گروه است که فردیت شخص را در نظام کنش شکل می‌دهد و رسمیت یافتن حقوق فردی بسته به رسمیت یافتن آن توسط گروه و یا جامعه است. در نزد دورکیم فردگرایی یک ارزش جمعی است که کل جامعه در آن شریک اند از نظر وی بعد اخلاقی فردگرایی پایه‌ای برای بقای تقسیم کار است، همان طور که اساس ایجاد آن نیز بوده است (کرایب: ۱۳۸۲) و به واسطه تأثیر بر ظهور و بقاء تقسیم کار به عنوان عامل اساسی تغییرات اجتماعی طرح می‌شود.

در جامعه‌ای که فردگرایی اخلاقی حاکم است؛ آزادی‌های انسانی توسط نهادهای مدنی که نقش واسط را بین دولت و فرد بر عهده می‌گیرند محافظت می‌شوند. همچنین گسترش تقسیم کار منجر به ظهور وظایفی جدید برای دولت در صیانت از حقوق افراد می‌شود و دولت‌ها ملزم به فراهم کردن شرایط تحقق آرمان‌های فردگرایی اخلاقی می‌شوند. در واقع دورکیم با علم بر این که دولت می‌تواند آزادی‌های فردی را تهدید کند، از طریق برجسته کردن نقش تشکله‌ها و انجمن‌های صنفی در انسجام بخشی، به عنوان واسط بین جامعه و دولت نظریه جدیدی را درباره دموکراسی عرضه می‌دارد (دورکیم: ۱۳۸۱). همچنان که شکل‌گیری جامعه مدنی هم هدف و هم وسیله توسعه است؛ تشکله‌ها و انجمن‌های صنفی از جایگاه رابط دولت و جامعه برای تحقق آرمان‌های فردگرایی اخلاقی جهت رضایت کل جامعه تلاش می‌کنند.

در مجموع ظهور فردگرایی اخلاقی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرآیند نوسازی فرهنگی است که از طریق نهادینه کردن حق انتخاب بشر تأثیر به‌سزایی در تحقق توسعه انسانی دارد.

دومین مؤلفه فرآیند نوسازی فرهنگی عرفی شدن است. به نظر اینگلههارت نظم و اقتدار در نظام ارزشی جامعه سنتی بر مبنای دین شکل گرفته است و شکسته شدن اقتدار دینی

یکی از نشان‌های گذار این جوامع به تجدد است (آزاد ارمکی و ملکی: ۱۳۸۶). به این ترتیب عرفی شدن در ارتباط با مفهوم دین واجد معنا است. به نظر گیدنز مفهوم عرفی شدن «حاکمی از فرآیندی است که طی آن قدرت و نفوذ دین در حوزه‌های گوناگون زندگی اجتماعی رنگ می‌بازد» (۱۳۸۶).

پژوهش‌ها عرفی شدن را بر اساس سه جنبه ارزیابی کرده‌اند: «مشارکت دینی» به مواردی چون عضویت مردم در سازمان‌های دینی اشاره می‌کند، تعلق به «ارزش‌های دینی» که میزان تعلق به جوامع دینی را نشان می‌دهد و میزان و کیفیت «اعتقادات دینی» مردم که سومین جنبه عرفی شدن را نشان می‌دهد (اینگلهارت و نوریس: ۱۳۸۷).

در فرآیند نوسازی فرهنگی عرفی شدن در عرصه‌های دین، فرد و جامعه اتفاق می‌افتد (شجاعی زند: ۱۳۸۰ و وریج کاظمی و فرجی: ۱۳۸۲). به طوری که در فرآیند عرفی شدن از اقتدار دین در حوزه‌های فردی، اجتماعی، و سیاسی کاسته می‌شود و زمینه لازم جهت عقلانی شدن امور در تمامی این حوزه‌ها وجود می‌آید و در نهایت نهادینه شدن عقلانیت ورزی به عنوان یکی از ارزش‌های نوسازی فرهنگی به تحقق توسعه انسانی یاری می‌رساند.

سومین مؤلفه در فرآیند نوسازی فرهنگی «تبیین علمی» است. مردم پدیده‌ها را در جوامع مدرن به گونه‌ای متفاوت از جوامع سنتی تبیین می‌کنند. با گسترش عرفی شدن انتظامات سیاسی - قانونی و عقلانیت و پرسش‌گری بر جای نظم مذهبی مبتنی بر تقدیر گرایی و تفکر کلیت‌گرا می‌نشیند. رویکرد عقلانی به جهان مبتنی بر شناخت تجربی و علمی پدیده‌های طبیعی است (اینگلهارت و نوریس: ۱۳۸۷) که ماکس وبر این فرآیند را «افسون زدایی از جهان» می‌نامد (کومار: ۱۳۸۱).

علم گرایی در فرآیند عرفی شدن که بازتاب فرآیند عقلانی شدن است ظهور می‌کند و همراه با نوسازی روند عرفی شدن شدت می‌گیرد. به بیان دقیق‌تر، نوسازی مستلزم یک فرآیند دنیوی سازی است؛ یعنی به طور نظام مند عقل و علم جایگزین نهادها، اعتقادات و

کردارهای دینی می‌شود (کومار: ۱۳۸۱). به این ترتیب در جامعه‌ای که نوسازی فرهنگی در آن محقق شده است؛ تبیین علمی و عقلانی پدیده‌ها بر جای تبیین تقدیرگرایانه، مذهبی و افسونی می‌نشیند. در چنین وضعیتی است که از اقتدار نیروهای ماوراء طبیعی کاسته می‌شود و زمینه لازم جهت صدر نشینی اراده انسانی با تکیه بر حق انتخاب بشر فراهم می‌شود.

در مجموع سه مؤلفه فردگرایی اخلاقی، عرفی شدن و تبیین علمی پدیده‌ها در فرآیند نوسازی فرهنگی با افزودن بر حق انتخاب بشر، نقش مهمی در تحقق توسعه انسانی ایفا می‌کنند.

۱) روستاهای در حال گذار

در منطقه کلان‌شهری تهران برخی نقاط روستایی وجود دارند که جمعیت آن‌ها به طور فزاینده‌ای رو به افزایش است. این سکونت‌گاه‌ها با مهاجر پذیری و متأثر از شهر مرکزی تهران و شهرهای اطراف آن هم تحت تأثیر تحولات اجتماعی و فرهنگی ناشی از حرکت جامعه ایران به سمت مدرنیته قرار گرفته‌اند و هم وضعیت اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ویژه‌ای یافته‌اند که نشانه‌هایی از فرآیند گذار از روستا به شهر است.

بر اساس نظر شیخی این دسته از «روستاهای در حال گذار» در فرآیند حرکت خویش به سمت شهری شدن از سه مرحله عبور می‌کنند. مرحله اول آغاز مهاجر پذیری است و «شکل‌گیری اولیه»، مرحله دوم با رشد انفجاری جمعیت و رشد خودرو در سکونت‌گاه همراه است و مرحله «انتقال» نامیده شده، و مرحله سوم دوره «پیوستگی، انسجام و ثبات نسبی» است (۱۳۸۰).

از جمله دلایل مهاجر پذیری روستاهای در حال گذار عرضه زمین مسکونی ارزان قیمت در مقایسه با شهرهای مرکزی و حاشیه‌ای (فیالکوف: ۱۳۸۳)، نزدیکی مسافت به این شهرها (گلی و دیگران: ۱۳۸۳) همراه با گسترش شبکه حمل و نقل بین شهری است

(طاهرخانی و رکن الدین افتخاری: ۱۳۸۳). علاوه بر این وجود امکانات نسبی رفاهی در شهرهای مجاور و ایفای کارکرد خوابگاهی برای کارکنان کم درآمد بخش‌های خدمات و صنعت از دیگر دلایل جذب مهاجرین در این نقاط جمعیتی است.

به طور معمول مهاجرین از سه مبداء وارد روستاهای در حال گذار می‌شوند. از مسیر اول تهی‌دستان مهاجری که با علم به عدم توانایی زندگی در مرکز و یا شهر حاشیه، از استان‌هایی به غیر از استان تهران به روستاهای نزدیک شهر مرکزی مهاجرت می‌کنند. مسیر دوم راه ورود آنانی است که از شهرهای حاشیه اطراف شهر مرکزی مهاجرت و در روستاهای نزدیک شهر سکنی می‌گزینند و دسته سوم مهاجرینی هستند که مستقیماً از شهر مرکزی به این سکونتگاه‌ها وارد می‌شوند. در حالی که یکی از دلایل سکونت مهاجرین در این روستاها امکان حفظ ویژگی‌های زندگی روستایی و روابط قومی - قبیله‌ای است؛ ساکنان آن‌ها به دلیل تماس‌های روزانه با شهر و دسترسی به وسایل ارتباط جمعی تمایل به بروز رفتارهای شهری نیز دارند. در نتیجه با تداخل ویژگی‌های فرهنگی روستایی و شهری نظام فرهنگی دوگانه‌ای ظهور می‌کند. این روستاها با قرار گرفتن در مرحله زیر شهری؛ گرایش به شهری شدن پیدا می‌کنند و با توجه به تغییرات اجتماعی نمی‌توان آن‌ها را در یک دسته‌بندی دو قطبی روستا و یا شهر جای داد.

معرفی جامعه مورد مطالعه

با توجه به هدف پژوهش و معیارهای تشخیص روستاهای در حال گذار دو روستای انجم آباد و حصارمهرت در دهستان منجیل آباد از توابع بخش مرکزی شهرستان رباط کریم در منطقه کلان شهری تهران^۱ انتخاب شدند.

۱- در آئین نامه «طرح‌ریزی و مدیریت مجموعه شهری تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور و شهرهای اطراف آن‌ها» مصوب هیئت وزیران در سال ۱۳۷۴، منطقه کلان شهری تهران متشکل از همه شهرستان‌های استان تهران به غیر از فیروزکوه است که بازار واحدی از سکونت و کار را تشکیل داده‌اند و عناصر آن با هم ارتباط روزمره دارند (غمامی، خاتم

بر اساس آمار موجود جمعیت حصار مهتر در ۵۰ سال گذشته (۱۳۸۵-۱۳۳۵) از ۴۸۶ نفر به ۸۶۵ نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است (خوشینی و رستمی ثانی: ۱۳۷۳ و شناسنامه آبادی‌های کشور، شهرستان شهریار: ۱۳۷۶ و نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵: ۱۳۸۷؛ <http://www.sci.org.ir>). جمعیت انجم آباد در همین دوره زمانی از ۶۳۴ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۴۸۵۰ نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است (جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران: ۱۳۷۰؛ ۱۹ و شناسنامه آبادی‌های کشور، شهرستان شهریار: ۱۳۷۶؛ ۲ و نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵: ۱۳۸۷؛ <http://www.sci.org.ir>). بنابراین در یک دوره ۵۰ ساله انجم آباد و حصارمهتر به ترتیب با نرخ رشد سالانه ۳/۹ و ۱/۱ جمعیت مواجه بوده‌اند. در همین بازه زمانی نرخ رشد سالیانه جمعیت در نقاط روستایی کل کشور ۱ درصد و کم‌تر از نرخ رشد جمعیت در هر دوی روستاها بوده است (نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵: ۱۳۸۷).

همچنین متوسط بعد خانوار نیز در انجم آباد ۳/۸۵ و در حصارمهتر ۳/۶۰ است که از متوسط بعد خانوار در نقاط روستایی کل کشور (۴/۳۶) کم‌تر و مشابه متوسط بعد خانوار در نقاط شهری (۳/۸۹) است (نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن: ۱۳۸۵: ۱۳۸۷).

اطلاعات میدانی حاکی از آن است که مهاجر پذیری و افزایش جمعیت، هم‌زمان با گستره نفوذ وسایل ارتباط جمعی نظیر رادیو (از سال ۱۳۲۰ ه. ش)، تلویزیون (از سال ۱۳۵۲ ه. ش)، و ماهواره (طی دهه اخیر)، زمینه پیدایش نظام فرهنگی دوگانه‌ای بین دو قطب شهری و روستایی در انجم آباد و حصارمهتر فراهم کرده است. رسانه‌ها با تبلیغ و به نمایش گذاردن شیوه زیست شهری، روستاییان را به پذیرش فرهنگ شهری ترغیب

و اطهاری: ۱۳۸۶). مجلس شورای اسلامی نیز در سال ۱۳۸۳ لایحه «خط مشی‌ها و سیاست‌های کلی طرح مجموعه شهری تهران» را به تصویب رسانده که بر طبق آن استان تهران به عنوان منطقه کلان شهری تهران دیده شده است (متوسلی و اسماعیل زاده: ۱۳۸۵).

می‌کنند. این در حالی است که ایستارهای فرهنگ روستایی، علاقه به حفظ ویژگی‌های قومی و روابط چهره به چهره در میان بخشی از مردم این روستاها حاکم است. از سویی دیگر عده‌ای که به طور روزانه به شهر تردد می‌کنند و آن دسته از مهاجرینی که پیش از این در شهر ساکن بوده‌اند تمایل دارند با الگو برداری از شیوه زیست شهری، فرهنگ و شیوه زیست شهرنشینان را اختیار کنند. به این ترتیب به نظر می‌رسد نظام فرهنگی دوگانه شهری - روستای در روستاهای انجم آباد و حصارمهرت ظهور کرده است.

وجود برخی از امکانات نظیر راه آسفالته، وسایل نقلیه عمومی، برق، تلفن، گاز شهری، دفتر پستی، پست بانک، دفتر مخابرات، مرکز تلفن، شعبه توزیع نفت، مدارس دخترانه و پسرانه، آب آشامیدنی لوله‌کشی و تصفیه شده، خانه بهداشت، درمانگاه و مرکز بهداشت، داروخانه، مطب پزشک، مطب مامائی، مطب دندان پزشک، حمام، باشگاه و سالن ورزشی چند منظوره، مسجد، حسینیه، پایگاه مقاومت بسیج، شرکت تعاونی روستایی، شورای حل اختلاف، شورای اسلامی روستایی و دهیاری در انجم آباد و حصارمهرت نشان‌گر برخورداری آن‌ها از سطح نسبتاً مناسبی از زیر ساخت‌ها و خدمات مورد نیاز توسعه اقتصادی - اجتماعی است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، ۷۲/۵ درصد روستاییان سرپرست خانوار (اعم از زن و مرد) در انجم آباد و ۴۴ درصد را در حصارمهرت مهاجرین تشکیل می‌دهند. در انجم آباد ۵۶ درصد و در حصارمهرت ۵۰ درصد مهاجرین پیش از این در منطقه کلان‌شهری تهران سکونت داشته و محل سکونت بقیه خانوارها خارج از منطقه کلان‌شهری تهران بوده است. در تمام دوران مورد مطالعه، سکونت گاه انجم آباد همواره در معرض پذیرش مهاجرین در جستجوی کار بوده است به طوری که مجموعاً ۳۵ درصد از کل مهاجرین، در جستجوی کار به این روستا مهاجرت کرده‌اند. همچنین ۴۲ درصد از مهاجرین وارده شده به انجم آباد طی سال‌های پس از پایان جنگ تحمیلی و تا اواخر دوران سازندگی (۱۳۷۵ - ۱۳۶۶) برای یافتن کار به این روستا آمده‌اند.

کارکرد خوابگاهی این روستاها را در سهم شاغلین ساکن در روستا می‌توان دید؛ تنها ۴۵ درصد از شاغلین انجم آباد و ۲۸ درصد شاغلین در حصارمهر در محل سکونت شان مشغول به کار هستند. این داده ضمن این که نشان دهنده میزان بالای وابستگی شغلی به کانون‌های اقتصادی اطراف روستا است، گویای این است که هیچ یک از دو روستای در حال گذار از یک بازار اقتصاد محلی جهت پاسخ به نیازهای اقتصادی ساکنین شان بهره مند نیستند. در واقع نزدیکی به شهر مرکزی تهران و شهرهای حاشیه‌ای شهریار و رباط کریم باعث شده است که کارکنان بخش‌های صنعت و خدمات از این روستاها به عنوان خوابگاه استفاده کنند. از این رو شیوه غالب معیشت نیز در این دو سکونت گاه از کشاورزی به خدماتی و یا صنعتی تغییر کرده است. به عبارت دیگر این روستاها دارای ارتباط عملکردی با کانون‌های اقتصادی اطراف هستند که یکی از ویژگی‌هایی است که شیخی برای هر سه مرحله فرآیند گذار بر می‌شمارد (۱۳۸۰).

به طور خلاصه با مقایسه برخی ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی روستاهای حصارمهر و انجم آباد با ویژگی‌های مشخص کننده روستاهای در حال گذار می‌توان نتیجه گرفت که این دو روستا در حال گذار و از سطح نسبتاً مناسبی از توسعه اجتماعی - اقتصادی برخوردار هستند.

بر اساس نظریه توسعه انسانی اینگلهارت و ولزل انتظار می‌رود آن دسته از جوامع روستایی که وارد فرآیند توسعه امکانات اقتصادی - اجتماعی شده‌اند؛ در فرآیند نوسازی فرهنگی نیز قرار گیرند. این مقاله تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد که آیا در جوامع روستایی مهاجرپذیر و در حال گذار از شهر به روستا، نوسازی فرهنگی نیز آغاز شده است؟ فرضیه این پژوهش را می‌توان چنین بیان کرد که روستاهای در حال گذار در فرآیند توسعه انسانی خویش همگام با توسعه اجتماعی - اقتصادی دچار نوسازی فرهنگی نیز می‌شوند.

۲) روش تحقیق

روش این تحقیق ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی است. به طوری که از پیمایش و تکنیک‌های مطالعه اسنادی، مشاهده و پرسش‌نامه به عنوان ابزارهای تحقیق استفاده شده است و در مواردی برای درک چگونگی و تحلیل داده‌های کمی از روش کیفی و تکنیک مصاحبه عمیق استفاده شده است.

همچنین با توجه به سه اصل هزینه، دقت، و کفایت (دواس: ۱۳۸۳)، مبنای تعیین حجم نمونه ۱۵ درصد جامعه آماری قرار گرفت. حجم نمونه آماری برای سکونت گاه انجم آباد با جامعه آماری ۱۲۵۸ خانوار، برابر با ۱۸۹، و حجم نمونه آماری برای سکونت گاه حصارمهرت با جامعه آماری ۲۴۰ خانوار برابر با ۳۶ برآورد شد.

اندازه‌گیری مفاهیم اساسی

بر مبنای چارچوب نظری تحقیق مفاهیم نوسازی فرهنگی در تعریف عملیاتی از ترکیب سه متغیر فردگرایی اخلاقی، عرفی شدن و تبیین علمی پدیده‌ها حاصل شده است. مقیاس مورد استفاده برای سنجش این متغیرها لیکرت است و پاسخ‌ها در دامنه کاملاً موافق - موافق - مخالف - کاملاً مخالف - و بینابین قرار می‌گیرند.

فردگرایی اخلاقی: فردگرایی اخلاقی به وضعیتی اطلاق می‌شود که طی آن تحصیل حقوق فرد در چارچوب احترام به حقوق و فردیت دیگری اتفاق می‌افتد. در این راستا از پاسخ‌گویان درباره احترام به حقوق و فردیت دیگران، پی‌گیری نفع شخصی در عین عدم آسیب‌رسانی به منافع جمعی، وجود نهادهای مدنی برای صیانت از حقوق افراد در برابر دولت و باور به تلاش نمایندگان دولت برای حفظ حقوق مردم پرسیده می‌شود.^۱

۱- برای اطلاع بیشتر از جزئیات گویه‌های پژوهش به پایان‌نامه «توسعه انسانی در روستاهای در حال گذار» در کتابخانه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران رجوع شود.

عرفی شدن: عرفی شدن فرآیندی است که طی آن از قدرت و نفوذ دین در عرصه‌های فردی، اجتماعی و سیاسی کاسته می‌شود. هدف از اندازه‌گیری این مفهوم شناخت عرفی شدن دین برای پاسخ‌گویان در حوزه‌های فردی، اجتماعی و سیاسی است. **تبیین علمی:** شناخت جهان با اتکاء بر «چارچوبی منطقی برای توصیف تبیین» به صورت قانون مند، تبیین علمی نام دارد. در واقع تبیین علمی کمک می‌کند تا روشن شود چرا حادثه‌ای خاص در شرایطی ویژه به وقوع پیوسته است (لیتل: ۱۳۸۱). هدف از اندازه‌گیری این مفهوم شناخت ذهنیت پاسخ‌گویان در تبیین اتفاقات زندگی روزمره است که آیا آن‌ها به عقل و دانش علمی رجوع می‌کنند و یا این که در توضیح آن‌ها استفاده از نیروهای ماوراءالطبیعه، آن را در اختیار انسان نمی‌دانند و به عبارتی تقدیرگراییند.

۳) یافته‌ها

ابتدا وضعیت هر یک از مؤلفه‌های فردگرایی اخلاقی، عرفی شدن و تبیین علمی بر اساس یافته‌های پژوهش بررسی می‌شود و سپس نوسازی فرهنگی در روستاهای در حال گذار با استفاده از متغیر ترکیبی مورد بررسی و فرضیه اصلی مورد آزمون قرار می‌گیرد. **فردگرایی اخلاقی:** در اندازه‌گیری این متغیر مشخص شد که در مجموعه معرف‌های درجه یک مفهوم «احترام به حقوق و فردیت دیگران»، به دلیل اهمیت زمین در زندگی روستایی، گویه «اگر با انجام یک پروژه عمرانی بخشی از زمین من گرفته شود؛ به انجام این پروژه رضایت نمی‌دهم» معرف دقیقی برای این متغیر نیست. با حذف این گویه، آلفای شاخص به حد متوسط و قابل قبول ۰/۴ رسید. به این ترتیب پایایی شاخص فردگرایی و همچنین اندازه KOM این شاخص (۰/۵۴) و اعتبار آن در سطح متوسط است.

جدول ۱- فردگرایی اخلاقی در روستاهای در حال گذار(درصد)

کل	حصارمهرتر	انجم آباد	آبادی فردگرایی اخلاقی
۵۷	۶۱	۵۶	بالا
۳۲	۳۳	۳۲	متوسط
۱۱	۶	۱۲	پایین
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل

۰/۰۵ < ۰/۳۵۸

نتایج تحلیل عاملی برای شاخص فردگرایی اخلاقی نشان می‌دهد که ۵۳/۱ درصد از واریانس توسط ۲ عامل قابل تحلیل و تبیین است. عامل اول «صیانت از حقوق مردم و حفظ آن» ۳۰/۵ درصد از واریانس و عامل دوم «احترام به حقوق دیگران در عین پیگیری نفع شخصی» ۲۲/۶ درصد از واریانس را تبیین می‌کند.

بر اساس جمع‌بندی داده‌ها ۸۹ درصد از پاسخ‌گویان در دو روستای مورد مطالعه از فردگرایی اخلاقی در سطح بالا و متوسط برخوردار هستند یعنی در هر دو سکونت‌گاه مورد مطالعه، فردگرایی اخلاقی رواج دارد.

عرفی شدن: پایایی این شاخص در سطح بسیار خوب و آلفای شاخص عرفی شدن رقمی معادل ۰/۸ به دست آمد. همچنین اندازه‌ی KOM شاخص عرفی شدن نیز ۰/۷۵ و اعتبار آن در سطح خیلی خوب است.

نتایج تحلیل عاملی برای شاخص عرفی شدن نشان می‌دهد که در مجموع ۶۳/۹ درصد از واریانس توسط ۴ عامل تبیین شده است. عامل اول «عرفی شدن در حوزه فردی»^۲ است

۱- این عامل از دو معرف دفاع شورای اسلامی از منافع مردم در مواجهه با ادارات شهرستان و مقابله ماموران اداره های دولتی با قانون شکنان تشکیل شده است.

۲- این عامل از ۵ معرف: توکل به خدا، اعتقاد به حساب و کتاب روز قیامت، نرسیدن از مرگ، احساس توبه هنگام ارتکاب گناه، و توسل به ائمه اطهار تشکیل شده است.

و این عامل به تنهایی ۲۹/۶ درصد واریانس را تبیین کرده است. عامل دوم «عرفی شدن در حوزه اجتماعی»^۱ است که ۱۶/۹ درصد از واریانس را تبیین می‌کند. عامل سوم «عرفی شدن در حوزه سیاسی»^۲ است و توانسته است تنها ۱۰/۳ درصد از واریانس را تبیین نماید و عامل چهارم متشکل از یک معرف؛ «اطمینان از وجود شیطان» ۷/۱ درصد از واریانس را تبیین کرده است.

جدول ۲- عرفی شدن در روستاهای در حال گذار (درصد)

کل	حصارمهر	انجم آباد	آبادی عرفی شدن
۰/۵	۲/۵	۰	بالا
۱۰/۵	۵/۵	۱۱	متوسط
۸۹	۹۲	۸۹	پایین
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل

۰/۰۵ < ۰/۸۶۸

نتایج نشان می‌دهد که در هیچکدام از دو روستای در حال گذار فرآیند عرفی شدن تجربه نشده است. به طوری که تنها برای ۱۱ درصد از روستاییان در انجم آباد و حصارمهر دین صورت عرفی به خود گرفته است.

تبیین علمی: شاخص تبیین علمی از ۹ گویه ساخته شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده نشان می‌دهد که روستاییان پاسخ‌های متناقض و غیر پایا به ترکیبی

۱- این عامل توسط ۵ معرف: حضور در مسجد برای انجام امور عبادی، شرکت در مراسم های مذهبی مسجد محل، شرکت در نماز جمعه، کمک مالی به هیئت های مذهبی، و کمک مالی به مسجد بارگذاری شده است.

۲- این عامل توسط ۵ معرف: مقدس بودن قانون اساسی، تبعیت از حکومت به عنوان وظیفه‌ای دینی، احساس گناه هنگام ارتکاب عمل خلاف قانون، شرکت در انتخابات‌ها به عنوان وظیفه‌ای دینی و شرعی، و انجام امر به معروف و نهی از منکر بارگذاری شده است.

از گویه‌ها داده‌اند. برای پی بردن به دلایل چنین پاسخ‌هایی و چگونگی هم جهت فرض شدن گویه‌های منفی و مثبت توسط روستاییان، مصاحبه عمیق صورت گرفت.

روستاییان بر این باور بودند که گویه‌های شاخص تبیین علمی هم جهت هستند و تناقضی با یکدیگر ندارند. به عنوان مثال آن‌ها معتقد بودند که «امروزه علم پزشکی از پس درمان بسیاری از بیماری‌ها که پیش از این امکان درمان شان میسر نبود بر می‌آید» و در عین حال پدیده «چشم شور» را یکی از دلایل بیمار شدن خود و نزدیکان می‌دانستند. وقتی درباره تناقض این دو گزاره پرسیده شد؛ پاسخ گویان به آیه‌ای از قرآن کریم اشاره کردند که بر وجود چشم زخم تأکید دارد. در آیه ۵۱ سوره مبارکه القلم خطاب به رسول گرامی اسلام (ص) آمده است: «نزدیک است کافران هنگامی که آیات قرآن را می‌شنوند با چشم زخم خود تو را از بین ببرند...» پاسخ گویان علت وقوع چشم زخم را حسادت می‌دانستند. همان طور که در آیه ۵ سوره مبارکه الفلق نیز بر پناه بردن به پروردگار «از شر هر حسودی هنگامی که حسد می‌ورزد» تأکید شده است.

در عین حال نتایج مصاحبه عمیق نشان می‌دهد که پاسخ گویان اعتقاد چندانی به امکان حل مشکلات توسط دعا نویس ندارند و بر این نظر هستند که: «دعا نویس اگر می‌توانست برای گشایش در گره‌ها و مشکلات خود کاری می‌کرد». هر چند پاسخ گویان معتقد بودند همراه داشتن آیاتی از قرآن کریم مانند آیه ۲۵۵ سوره مبارکه البقره که به «آیه الکرسی» معروف است آنان را از گزند حوادث مصون می‌دارد.

علاوه بر این قریب به اتفاق روستاییان تضاد و تناقضی بین دو گویه: «می‌توانم با سعی و تلاش بیش‌تر سرنوشتم را تغییر دهم». و «معتقدم سرنوشت انسان‌ها پیش از تولدشان مشخص شده است» قائل نیستند. در مصاحبه‌های عمیق و در تأیید نظر خود می‌گفتند: «خداوند گفته است از تو حرکت از من برکت». آن‌ها معتقد بودند: «خداوند در عین این که سرنوشت شان را مشخص کرده است، امکان تغییر آن را نیز به واسطه سعی و تلاش بیش‌ترشان فراهم ساخته». نظرات روستاییان نشان می‌دهد که آنان تنها آن دسته از اتفاق‌ها

و پدیده‌های اطراف خود را با استفاده از عقل و دانش بشری تبیین می‌کنند که پاسخی از دین برای چرایی وقوع آن‌ها دریافت نکرده‌اند. در نتیجه به نظر می‌رسد شیوه تبیین پدیده‌ها توسط پاسخ‌گویان تلفیقی از تبیین دینی و تبیین علمی را در بر می‌گیرد.

جدول ۳- تبیین علمی در روستاهای در حال گذار (درصد)

تبیین علمی	آبادی	انجم آباد	حصارمهتر	کل
بالا	۹۲/۵	۸۹	۹۲	
متوسط	۶	۱۱	۷	
پایین	۱/۵	۰	۱	
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

۰/۰۵ < ۰/۴۴۴

به این ترتیب در تدوین نهایی شاخص تبیین علمی، گویه‌های شماره ۵ و ۶ و ۸ و ۹^۱ که با تبیین دینی پدیده‌ها ارتباط داشتند حذف و آزمون پایایی محاسبه شد. در نهایت اندازه آلفای شاخص تبیین علمی ۰/۵ و پایایی آن در سطح متوسط قرار گرفت. همچنین اندازه آزمون کفایت نمونه KOM شاخص تبیین علمی ۰/۶۷ و اعتبار آن در سطح خوب است. نتایج تحلیل عاملی برای شاخص تبیین علمی بیان می‌کند که این شاخص در مجموع از یک عامل^۲ تشکیل شده که توانسته است به تنهایی ۳۶/۷ درصد از واریانس را تبیین کند.

۱- به عبارت: من به چشم زخم اعتقاد دارم، برای حل مشکلات می‌توان به دعا نویس مراجعه کرد، معتقدم سرنوشت انسان‌ها پیش از تولدشان مشخص شده است، وقتی با مصائبی مثل مرگ نزدیکان روبه رو می‌شوم آن را نتیجه تقدیر الهی می‌دانم.

۲- این عامل شامل ۵ معرف: توانایی بیش‌تر دانشجویان در حل مشکلات زندگی، علت یابی مسائل و مشکلات زندگی، اعتقاد به برنامه ریزی، اعتقاد به درمان پذیری بیش‌تر بیماری‌ها توسط علم پزشکی، و امکان تغییر سرنوشت با سعی و تلاش بیش‌تر است.

با احتساب این که گویه‌های مربوط به تبیین دینی پدیده‌ها در این شاخص حذف شده‌اند، در هر دو سکونت گاه ۹۲ درصد روستاییان در سطح بالا و ۷ درصد ایشان در سطح متوسط پدیده‌های زندگی روزمره را با استفاده از عقل و دانش بشری تبیین می‌کنند. در نتیجه روستاییان به همراه تبیین دینی پدیده‌ها از تبیین علمی نیز استفاده می‌کنند و نمی‌توان نتیجه گرفت که در روستاهای در حال گذار تبیین علمی و عقلانی پدیده‌ها بر جای تبیین تقدیرگرایانه و دینی نشسته است.

نوسازی فرهنگی: بر اساس داده‌ها ۵۹/۵ درصد روستاییان در دو روستای در حال گذار انجم آباد و حصارمهر سطح بالایی از نوسازی فرهنگی را تجربه کرده‌اند. همچنین سطح نوسازی فرهنگی ۳۹ درصد از آن‌ها در هر دو روستا (در سطح متوسط قرار دارد. به این ترتیب نتایج تأیید کننده این فرضیه پژوهش است که روستاهای در حال گذار در فرآیند توسعه انسانی با گذر از توسعه اجتماعی - اقتصادی نوسازی فرهنگی را نیز تجربه می‌کنند.

جدول ۴- نوسازی فرهنگی در روستاهای در حال گذار (درصد)

کل	حصارمهر	انجم آباد	آبادی نوسازی فرهنگی
۵۹/۵	۵۸	۶۰	بالا
۳۹	۴۲	۳۸	متوسط
۱/۵	۰	۲	پایین
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل

۰/۰۵ < ۰/۴۵۱

۴) بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله در پاسخ به این پرسش کلیدی که آیا در جوامع روستایی مهاجرپذیر و در حال توسعه، همگام با توسعه اجتماعی - اقتصادی نوسازی فرهنگی نیز اتفاق می‌افتد؟ از

رویکرد جامع توسعه انسانی به عنوان سامان نظری که توسعه اجتماعی - اقتصادی، نوسازی فرهنگی و دموکراتیک شدن را در بر می‌گیرد، استفاده کرده است. گسترش این سه فرآیند نشانگان توسعه یافتگی و موجب بسط قدرت انتخاب بشر انگاشته شده است. در این رویکرد تجربه نوسازی فرهنگی به معنای همراهی تغییرات ناشی از توسعه اجتماعی - اقتصادی و دموکراتیک شدن با وجوهی از تغییرات فرهنگی است.

این مقاله تنها به فرآیند نوسازی فرهنگی به عنوان یکی از ابعاد سامان نظری «توسعه انسانی به مثابه تغییرات اجتماعی» پرداخته و در مطالعه این بعد از توسعه انسانی از سه مؤلفه فردگرایی اخلاقی، عرفی شدن و تبیین علمی استفاده شده است.

بررسی وضعیت نوسازی در روستاهای در حال گذار نشان می‌دهد در هر دو سکونت گاه مورد مطالعه فرآیند نوسازی فرهنگی آغاز شده است. فردگرایی اخلاقی به طور نسبی رواج دارد اما اکثریت روستاییان سرپرستان خانوار عرفی نشده‌اند و در پاسخ به چرایی وقوع پدیده‌ها از دو شیوه به ظاهر متناقض تبیین دینی و تبیین علمی استفاده می‌کنند.

با توجه به مؤلفه‌های چندگانه نوسازی فرهنگی بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که گرچه نوسازی فرهنگی در هر دو روستا در جریان است اما ارزش‌های دینی کماکان در آن پر قوام است و ساکنین هیچ کدام از روستاها عرفی شدن را در زندگی تجربه نکرده‌اند و دو شیوه تبیین علمی و تبیین دینی را در عرض یکدیگر می‌دانند.

مهم‌ترین یافته این پژوهش نشان دهنده هم عرضی دو شیوه تبیین علمی و تبیین دینی در روستاهای در حال گذار است. شیوه تبیین پدیده‌ها با تلفیقی از تبیین دینی و تبیین علمی صورت می‌گیرد و روستاییان هم به اراده و توانایی خویش و هم به مشیت و تقدیر الهی ایمان دارند. این شیوه تبیین، مصداق این گزاره اعتقادی است که: «اراده بندگان در طول اراده خداست» (منتظری: ۱۳۸۵) و تبیین تأیید کننده این نظر اینگلهارت و ولزل (۱۳۸۹) که توسعه اجتماعی - اقتصادی و نوسازی فرهنگی به این معنا نیست که «دین و سایر جنبه‌های میراث فرهنگی - سنتی جامعه» رو به افول و با ظهور نوسازی نفی خواهد

شد بلکه «میراث فرهنگی هر جامعه به طور قابل ملاحظه‌ای ماندگار است» (اینگلهارت و ولزل: ۱۳۸۹).

به این ترتیب هر چند ساکنین روستاهای در حال گذار سطحی از نوسازی فرهنگی را تجربه کرده‌اند اما ارزش‌های دینی تغییر نکرده است. همچنان که که اغلب روستاییان هیچ کدام از دو سکونت گاه مورد مطالعه عرفی نشده‌اند؛ تفکر، احساسات، تمایلات و رفتار آن‌ها از وابستگی و التزام به ماوراءطبیعه فاصله نگرفته و گستره نفوذ باورهای دینی فراتر از حوزه خصوصی را در بر می‌گیرد و شیوه تبیین دینی هم‌عرض شیوه تبیین علمی به کار می‌رود. این در حالی است که فردگرایی اخلاقی به عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های نوسازی فرهنگی در روستاهای در حال گذار رواج نسبی داشته است. به نظر می‌رسد وقوع این گونه از نوسازی فرهنگی که ویژگی اصلی آن عدم توازن مؤلفه‌ها و به هم ریختگی فرهنگی است، نشان دهنده ریشه ارزش‌های مذهبی در میراث تاریخی این جوامع و البته تداوم و پایداری آن در شرایطی است که تغییرات اجتماعی در این روستاها آغاز شده است.

- آزاد ارمکی، تقی و امیر ملکی (۱۳۸۶)، «تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان»، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، شماره ۳۰، صفحات ۹۷-۱۲۱، تهران.
- اباذری، یوسف (۱۳۷۷)، خرد جامعه‌شناسی، طرح نو، تهران.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۷)، «نوسازی و پسانوسازی»، ترجمه: علی مرتضویان، فصلنامه ارغنون، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شماره ۱۳، صفحات ۳۳-۱، تهران.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه: مریم وتر، انتشارات کویر، تهران.
- اینگلهارت، رونالد و پیپا نوریس (۱۳۸۷)، مقدس و عرفی، ترجمه: مریم وتر، انتشارات کویر، تهران.
- اینگلهارت، رونالد و کریستین ولزل (۱۳۸۹)، نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، انتشارات کویر، تهران.
- جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، واحد طرح‌ها و تحقیقات (۱۳۷۰)، طرح هادی روستای انجم آباد، به سفارش: سازمان جهاد سازندگی استان تهران، اداره بهسازی مسکن، تهران.
- خوشینی، سیامک و امیر رستمی ثانی (۱۳۷۳)، طرح هادی روستای حصار مهتر، به سفارش سازمان جهاد سازندگی استان تهران، تهران.
- دواس، دی. ای (۱۳۸۳)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه: هوشنگ نایی، نی، تهران.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۱)، درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه: باقر پرهام، نشر مرکز، تهران.
- شجاعی زند، علی رضا (۱۳۸۰)، دین، جامعه و عرفی شدن، نشر مرکز، تهران.
- شیخی، محمد (۱۳۸۰)، تبیین فرایند شکل‌گیری و دگرگونی سکونتگاه‌های خودروی پیرامون کلانشهر تهران - مطالعه موردی اسلامشهر، نسیم شهر و گلستان، رساله دکتری، گروه شهر سازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران.

- شناسنامه آبادیهای کشور، شهرستان شهریار (۱۳۷۶)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، مرکز آمار ایران تهران.
- طاهرخانی، مهدی و عبدالرضا رکن الدین افتخاری (۱۳۸۳)، «تحلیل نقش روابط متقابل شهر و روستا در تحول نواحی روستایی - استان قزوین، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، شماره پیاپی ۳۵، صفحات ۱۱۱-۷۹، تهران.
- غمامی، مجید و اعظم خاتم و کمال اطهاری (۱۳۸۶)، مجموعه شهری تهران؛ مدیریت یکپارچه و حل مسئله اسکان غیر رسمی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
- فیالکوف، یانکل (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی شهر، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، آگه، تهران.
- قرآن کریم همراه با شرح آیات منتخب (۱۳۸۵)، محقق: محمد فقیهی رضایی، موسسه فرهنگی و انتشاراتی محراب قلم، تهران.
- کرایب، یان (۱۳۸۲)، نظریه اجتماعی کلاسیک، ترجمه: شهناز مسمی پرست، آگه، تهران.
- کومار، کریشان (۱۳۸۱)، مدرنیزاسیون و صنعتی شدن در: جامعه سنتی و جامعه مدرن، ویراسته: مالکوم واترز، ترجمه: منصور انصاری، نقش جهان، تهران.
- گلی، علی و علی عسگری و عبدالرضا رکن الدین افتخاری (۱۳۸۳)، «تیین الگوی فضایی روستاهای در حال گذار با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی: منطقه شمال غرب ایران»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، شماره پیاپی ۳۵، تهران.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه: حسن چاوشیان، نشر نی، تهران.
- لیتل، دانیل (۱۳۸۱)، تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه: عبدالکریم سروش، مؤسسه فرهنگی صراط، تهران.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۸۵)، اسلام دین فطرت، نشر سایه، تهران.
- متوسلی، محمد مهدی و حسن اسماعیل‌زاده (۱۳۸۵)، «رشد و پراکنش جمعیت

- در مناطق کلانشهری»، فصلنامه مدیریت شهری، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، شماره ۱۸، صفحات ۶۰-۷۳، تهران.
- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، درگاه ملی آمار، ت ر: (۱۳۸۷)
- <http://www.sci.org.ir/portal/faces/public/census85/census85.natayej/census85.jadavelmontakhab>
- نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۸۵)، مرکز آمار ایران - معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری.
- وریج کاظمی، عباس و مهدی فرجی (۱۳۸۲)، «عرفی شدن و زندگی روزمره»، نامه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، شماره ۲۱، صفحات ۲۶۹-۲۴۳، تهران.
- Chabal, Patrick (2006) **Book Reviews, International Affairs**, Vol 82, No 3.
- Inglehart, Ronald, Christian, Welzel (2005) **Modernization, Cultural Change and Democracy**, Cambridge University Press.
- Marsh, Robert M. (2006) Review Essay, **Comparative Sociology**, Volume 5, issue 2-3.
- Welzel, Christian & Ronald Inglehart, Hans - Dieter Klingeman (2001)/ **Human Development as a General Theory of Social Change: A Multi-Level and Cross-Cultural Perspective/ Berlin/ Wissenschaftszentrum Berlin für Sozialforschung gGmbH (WZB)**
- Welzel, Christian, Ronald Inglehart, Hans-Dieter Klingeman (2003) The Theory of human Development: A Cross-cultural Analysis, *European Journal of Political Research* 42: 341-379.

